



اختلاف شهرداری و آستان قدس بر سر زمین چمن طالقانی
شماری از جوانان بی بهرهاز تفریح محله ر خواجهر بیع رابه بی راهه برد

از آرسنال قازوال!

آل‌یوم‌ها باقی مانده است.

«همسایه‌ها از خدایشان بوده که

ما فوتبال بازی کنیم

غلامرضا صداقتی، سال‌های سال دروازه بان تیم «شهید چدانی» خواجهر بیع بوده است. وقتی قرار می‌شود برایمان از زمین شهرک طالقانی و تیم‌های فوتبالش حرف بزنند، اول از همه می‌رود سراغ برنامه‌ریزی منظم خود بچه‌ها و همسایه‌هایی که کاری به کارشان نداشتند. می‌گوید: «زمانی که زمین افتتاح شد، آقای صدیق به عنوان مسئول زمین انتخاب شد. تیم‌ها هفتگی قرار داد می‌بستند و مشخص بود که از فلان ساعت چه تیمی باید در زمین چمن تمرین کند و ساعت بعد به چه کسانی اختصاص دارد. آقای صدیق در واقع کارش یک جورهایی مدیریت کردن همین موضوع بود.» او ادامه می‌دهد: «الان دور زمین دیوار کشیده شده، آن موقع که ما بازی می‌کردیم، هیچ دیواری وجود نداشت. خانه‌های زیادی نزدیک زمین بود که چند متر بیشتر با آن فاصله نداشت. بارها پیش می‌آمد که توپ داخل حیاط خانه‌های افتاد یا حتی شیشه‌های شکست، اما چیزی نمی‌گفتند و شکایتی نمی‌کردند. بچه‌ها هم بی‌معرفتی نمی‌کردند و اگر خسارتی زده بودند، جبران می‌کردند. بالاخره وقتی همسایه‌ها می‌دیدند جوانان محله، که شاید پسر یا برادر خودشان هم در بینشان بود، این طور به ورزش علاقه دارند و به این واسطه سراغ کارهای خلاف و اعتیاد و... نمی‌روند، خوشحال بودند. به همین دلیل با وجود همه مشکلاتی که گاهی برایشان درست می‌کردیم، مانع بازی کردنمان نمی‌شدند.»

«داخل کاریز به دنبال توپ می‌گشتیم

سابقه تیم‌های فوتبال خواجهر بیع خیلی بیشتر از زمین چمن شهرک است؛ یعنی اول آن‌ها بودند، بعد زمین درست شده است. صداقتی تعریف می‌کند: «تیم‌های محله ما از قبل انقلاب تشکیل شده بودند. نمونه‌اش همین «آرسنال» خواجهر بیع که بعدها تبدیل شد به «پیام». خیلی از بزرگ‌ترهای فعلی خواجهر بیع عضو این تیم بودند و حتی بعضی‌هایشان فوتبالیست‌های خوبی شدند. زمینی خاکی در باغ بود که الان انبار برنج شده است و در آن خانه ساخته‌اند؛ آن‌جا محل تمرین و بازی همین تیم‌ها بود. یادم هست گوشه و کنارهای زمین خاکی تعدادی کاریز بود و دائم توپ داخل آن می‌افتاد. همین موضوع هم اشکال این زمین بود. من که بچه بودم جثه ریزی داشتم و بهترین گزینه برای بیرون آوردن توپ بودم. طنابی به کمر می‌بستند، یک چراغ قوه دستم می‌دادند و داخل کاریز می‌شدم تا توپ را پیدا کنم.»

«تیم‌هایی پس از دیگری تعطیل شدند

وارد خیابان شادی ۱۰ در خواجهر بیع که بشوید، خانه‌های یک اندازه و یک شکل مقابل چشمتان ظاهر می‌شود. تاریخ احداث این محدوده معروف به شهرک طالقانی بر می‌گردد به سال ۱۳۵۶، آن‌سال عبدالعظیم ولیان، نایب تولیت وقت آستان قدس رضوی و استاندار خراسان، در زمین‌های وقفی آستانه، این خانه‌ها را ساخت؛ شهرکی که پس از انقلاب، نام مرحوم آیت‌... طالقانی را روی آن گذاشتند و تا همین امروز هم آن‌را به این اسم می‌شناسند؛ اما شهرک طالقانی یک ویژگی خاص دارد؛ وجود زمین چمنی بزرگ در دل آن. همان زمان که این‌جا را می‌ساختند، مانند نمونه‌های خارجی، فکر فضای ورزشی را هم کرده بودند و این زمین را در گوشه‌ای از آن ساختند. از همان سال که آوازه زمین در همه خواجهر بیع پیچید، زمین خاکی مشهور محله، دیگر رونقش را از دست داد. البته قبل از آن، همان محوطه خاکی را هم از بچه‌ها گرفته بودند و می‌خواستند در آن خانه بسازند. کم‌کم تیم‌ها زیاد شدند. «آرسنال» خواجهر بیع که به آقای همان زمین خاکی معروف بود، تبدیل شد به «پیام»، تیمی که تا لیگ استان هم بالا رفت. «میلاد» و «شهید چدانی» هم بعد از تیم‌های سرشناس محله شدند و پای ثابت مسابقات مختلف مشهد، عشق همه جوانان و نوجوانان خواجهر بیع شده بود ورزش و فوتبال بازی کردن. خودشان زمین را نوبتی کرده بودند و از صبح تا شب، کسی آن‌جا را خالی نمی‌دید. اما از ده سال پیش، به دنبال اختلافی کوچک میان شهرداری و آستان قدس رضوی، تنها زمین چمن خواجهر بیع از اهالی دریغ شد. دورتادور ش را دیوار کردند و اجازه ندادند که کسی از آن استفاده کند. چند وقتی زمین چمن شهرک طالقانی محل آمدوشد معتادان بود، بعدتر هم که به لطف برخی از اهالی، اشغال دانی شد. تیم‌های ریشه دار و قدیمی خواجهر بیع هم که دیگر جایی برای تمرین نداشتند، یکی پس از دیگری تعطیل شدند و امروز از آن‌ها فقط عکس‌های قدیمی روی دیوار مغازه‌ها و داخل



استادی - زمین ورزشی آسفالت شهرک طالقانی بر است از بچه‌های قدونیم‌قد عشق فوتبال که باتمام وجود مشغول بازی هستند و صدایشان همه خیابان را پر داشته است. انگار که فینال جام جهانی است و اگر ببازند همه زحماتشان به باد می‌رود؛ البته این همه هیجان و جان در رفتن برای فوتبال در خواجهر بیع، ریشه در گذشته دارد؛ این داستان از حدود سی سال پیش و از زمین خاکی شروع شده و حالا به نسل امروز رسیده است. کمی آن طرف‌تر از جایی که بچه‌ها بازی می‌کنند، مثل خیلی از کوچه‌پس کوچه‌های خواجهر بیع و بهمن، یک زمین بزرگ دیوار کشی شده جا خوش کرده است. خیلی از همان بچه‌ها نمی‌دانند که این زمین، بخشی از تاریخ محله است و ورزش‌های نه چندان دوری برای لحظه‌ای خالی نمی‌شده است. اصلاً از دل همین زمین چمن، تیم‌های بزرگ و کوچکی بیرون آمدند و قهرمان لیگ شهر و استان شدند. تیم‌هایی که آوازه‌شان در شهر مشهد پیچیده بود و دیگر محله‌ها برای بازی با آن‌ها و حتی شکستشان سرودست می‌شکستند تا برای خودشان کسب‌آبرو کنند. «پیام» و «میلاد» و «شهید چدانی»، همان تیم‌هایی هستند که از زمین چمن سری در سرها را آوردند، اما یک اختلاف کوچک همه آن‌ها را به دل تاریخ سپرد...